یادداشت

اعتباراتی که قرار است از راه برسد

پلم را می‌شناسید؟! در استان خوزستان و شهرستان ایذه شاید خیلی‌ها اسم پلم را نشنیده باشند، اما منطقه پلم و روستاهای ریز و درشتش برای رئیس اداره راه و شهرسازی ایذه آشنا هستند؛ بس که در این چندسال مردمش به مطالبه راه، گذرشان به این اداره افتاده است؛ یک خواسته، یک آرزوی دور که نسل به نسل در این منطقه جلو آمده!

رئیس اداره راه و شهرسازی ایذه درهمین ارتباط می‌گوید: تابستان ۹۷ پیمانکار مسیرتراشی این جاده مشخص شد، اما او با بهانه‌های مختلف مانند خرابی دستگاه‌ها در فصل تابستان و برف و باران در زمستان از زیر انجام این طرح شانه خالی می‌کرد.

بهانه‌ها هرچه بود، کم نبود. آنقدر که به قول سیامک رشیدی نیک، هربار پیمانکار با یک عذر جدید از زیر بار مسوولیتش شانه خالی کند: «ابتدای سال ۹۸ هم این پیمانکار به بهانه افزایش نرخ‌ها، دوباره روند کم‌کاری را در پیش گرفت که در نهایت به این نتیجه رسیدیم با مکاتبات اداری، طرح از او پس گرفته شود؛ تصمیمی که به محرومیتش از قراردادهای جدید هم منتهی شد.»

رئیس اداره آب و فاضلاب ایذه در توضیح بیشتر می‌گوید: سال ۹۷، دو میلیارد ریال اعتبار مسیرشکافی برای این جاده در نظر گرفته شده بود که سال ۹۸ هم با توجه به محرومیت فراوان منطقه پلم، قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا چهارمیلیارد ریال برای تکمیل روند مسیر شکافی این جاده در نظر گرفت.

رشیدی نیک البته همچنان به کمبود اعتبارات هم نیم‌نگاهی دارد و بیان می‌کند: مردم محروم پلم از حداقل‌های زندگی نیز محرومند و به‌همین دلیل به دنبال یک بودجه استانی برای تسریع در روند احداث این جاده هستیم.

هنرمندان بوشهری هم ماسک تولید می‌کنند

هنوز کرونا هست؛ پس تولید و توزیع ماسک و لوازم بهداشتی هم برقرار است؛ لوازم بهداشتی ای که پای هنرمندان صنایع دستی را هم مثل نیروهای جهادی وسط کشیده؛ درست مثل فعالان صنایع دستی در استان بوشهر که تاکنون ۷۵ هزار ماسک در کارگاه‌هایشان تولید و بین مردم توزیع کرده اند. این کارگاه‌ها در شهرستان‌های دیلم، دیر و روستای ملی عبابافی بوحیری هستند و روزانه نزدیک به ۲۰۰۰ ماسک تولید می‌کنند.

آتش در غرفه‌های صنایع‌دستی بندرعباس

شعله آتش بی احتیاطی که روشن شود، به جان هر کس و هرچیزی ممکن است بیفتد، حتی صنایع دستی که با خون دل سروشکل گرفته و نشسته توی غرفه‌ها تا نان شب هنرمندان کم بضاعت را تامین کند؛ مثل هنر دست هنرمندان بندرعباسی که آتش به جان غرفه‌هایشان افتاد و دود شدند و رفتند هوا. این اتفاق در ۲۰ غرفه ضلع شمالی معبد هندوهای بندرعباس افتاده و مدیر میراث هرمزگان گفته؛ به بنای تاریخی معبد هندوها آسیبی وارد نشده است./ جام جم دیلی

اینجا در روستاهای پَلم حتی کلاس درس برای دانش‌آموزان وجود ندارد

عکس: جام جم

زندگی در روستاهای منطقه پَلُم شهرستان ایذه، به سخت‌ترین شکل ممکن جریان دارد
خبرنگار ما از این ناحیه فراموش شده گزارش می‌دهد

روستاهایی که پلمب شده!

اول نمی دانستیم پَلُم به لری یعنی چه! فقط می‌دانستم اسم منطقه ای است در دهستان سوسن شرقی شهرستان ایذه، جایی نزدیکی‌هایی سد کارون ۳. منطقه ای متشکل از چند پارچه آبادی که می‌توانست به خاطر نزدیکی به کارون، آباد باشد، اما نبود! این را اهالی اش می‌گفتند؛ این که پلم با همه بزرگی‌اش هنوز برق ندارد! آب؟ حرفش را نزن! جاده؟ چه چیزها! اولش نمی دانستیم پلم یعنی چه! اما پای صحبت اهالی این منطقه که نشستیم، فهمیدیم چرا به این منطقه می‌گویند پلم. پلم یعنی پلمب شده و این حکایت منطقه‌ای محصور در دل کوه است، منطقه ای دور از امکانات، جایی که انگار سال‌هاست پلمب شده! اگر اهالی حرف نزده بودند، برای پلم در لغتنامه‌ها دنبال معنی می‌گشتیم و فکر می‌کردیم شاید همان‌طور که نوشته اند، نام گل زردی شبیه زعفران است؛ همین‌قدر زیبا، همین‌قدر لطیف!

مینا مولایی

ایران

سهم مردم منطقه پَلُم از امکانات اولیه برای زندگی تقریبا هیچ است، مردمی که اوج آرزویشان احداث یک جاده، یک تیر برق و لوله‌کشی آب است!

نجف باقری، هم دهیار است هم معلم. اهل و ساکن روستای مرآب سیاه، یکی از روستاهای منطقه پلم. یکی از اهالی همین منطقه که به ما می‌گوید: «منطقه پلم حدود صد خانوار و ۵۰۰ نفر جمعیت دارد و از چند ده تشکیل شده اما همه این روستاها امکانات اولیه زندگی ندارند.» ادامه حرف‌هایش، گلایه‌هایی است که یکی یکی شماره می‌شوند روی انگشت‌هایش، آن‌وقت انگشت کوچک‌تر، برق است، برقی که هنوز به منطقه نرسیده، انگشت حلقه، می‌شود آب لوله‌کشی! همان آبی که زن‌های روستا مجبورند برای به دست آوردنش چند کیلومتر تا چشمه بروند و برگردند. انگشت میانی، جاده است! همان جاده ای که اگر بود شاید خیلی چیزهای دیگر را هم با خودش به این روستاها می‌آورد. انگشت‌های بعدی هم می‌شوند خانه بهداشت، مدرسه، آنتن تلفن همراه، اینترنت و...

هیچ چیزی نداریم

باقری می‌گوید: «اینجا روستای خودمان است، اما هیچ چیزی ندارد. برق که حتی از حوالی ما هم رد نشده و هنوز مردم برای روشنایی از هیزم و فانوس استفاده می‌کنند، برای آب مجبورند صبح بروند لب چشمه تا عصر نوبت‌شان بشود که با حیوان آب بیاورند. جاده هم که اصلا نداریم.» او البته به طور رسمی فقط معلم روستاست، اما مدت‌هاست که داوطلبانه کارهای دهیاری را هم انجام می‌دهد، آن هم در روستایی که اصلا کد دهیاری ندارد: «الان دوسال است پیگیر کد هستم و هنوز به نتیجه نرسیده‌ام، درخواست‌های زیادی هم بابت آب و برق به بخشداری سوسن شرقی دادم که ما را ارجاع دادند به فرمانداری، اما باز هم نتیجه نگرفتیم.»

مسیر روستای مرآب سیاه مثل بقیه روستاهای این منطقه، صعب العبور است، آن‌قدر که زمستان‌ها به خاطر شرایط جوی و بارش برف کاملا بسته می‌شود و در فصل‌های دیگر سال هم فقط با پای پیاده یا حیوانات اهلی می‌توان در این مسیر رفت و آمد کرد. باقری اما می‌گوید جاده نیمه کاره تا شش کیلومتری روستایشان آمده و حالا مدت‌هاست همان‌طور به حال خودش رها شده است: «ساخت جاده‌ای را قبلا شروع کرده بودند، اما همان را هم تمام نکردند، اگر تکمیل می‌شد حداقل یک تراکتور یا نیسان می‌توانست به روستای ما بیاید و برای مردم ما یک کمک بزرگ بود، اینجا الان همه کارهای کشاورزی به صورت کاملا سنتی یا توسط خود کشاورزها یا حیوانات انجام می‌شود.»

او که اولین معلم بومی منطقه اش است، جزو معدود اهالی خوشبخت این منطقه بوده که توانسته برای ادامه تحصیل به خانه اقوامش در ایذه برود، درس بخواند و معلم شود و برگردد به مرآب سیاه تا به بچه‌هایی درس بدهد که می‌داند اگر کسی دلسوزشان نباشد، سرنوشت خوبی در انتظارشان نیست: «در چند سال گذشته چندین بار فرماندار عوض شده، هر بار هم ما یک درخواست جدید دادیم برای برق و آب و جاده، برای ساده ترین امکاناتی که جاهای دیگر هست و اینجا نیست، مثل مدرسه که با وجود حضور ۹۵ دانش آموز در منطقه پلم، ما اینجا یک مدرسه درست و حسابی نداریم. ساختمانی اگر باشد به صورت گلی است که زمستان‌ها چکه می‌کند و ما معلم‌ها خودمان هر بار با کمک خیرین با مصالح تعمیرش می‌کنیم.»

تلاش اهالی روستای مرآب سیاه، اما امسال به یک بازدید رسیده؛ بازدید بخشدار سوسن یعنی سعید الماسی از این روستا، ماجرایی که باقری درباره اش می‌گوید: «با پیگیری‌های زیاد بالاخره توانستیم امسال بخشدار سوسن را به عنوان اولین بخشدار به روستای مان بیاوریم، ایشان هم به خاطر نبود جاده با حیوان به این منطقه آمد و شرایط ما را از نزدیک دید و امیدواریم این بازدید نتیجه مثبتی برای حال مردم روستا داشته باشد.»

او ولی یادش است که همان موقع بخشدار گفته بود برای زدودن غبار محرومیت از چهره پلم باید ابتدا جاده دسترسی آن احداث شود؛ جاده‌ای که چند کیلومترش مسیرشکافی شده و مابقی مسیر شکافی تا پلم باید انجام شود، بعد نوبت مراحل دیگری مثل زیرسازی و آسفالت برسد، اما متاسفانه پیمانکار احداث این طرح به دلایلی از انجام آن سر باز می‌زند. او یادش است بخشدار گفته بود، بعد از تکمیل جاده، کارهای آب شرب و برق این منطقه انجام خواهد شد؛ آرزویی که فعلا در این روستا و بقیه روستاهای پلم یک رویای دور است!

پنل خورشیدی خریدیم

عسگر کیانی، معلمی است که سال‌هاست در چهار تا از روستاهای منطقه پلم به بچه‌ها درس می‌دهد. کلمه محرومیت برای او از وقتی معنی پیدا کرد که پا به این منطقه گذاشت، به روستاهای دَرِبُن‌ها، بَرِدِه، سرتَوَرا و مرآب سیاه. مقابل کلمه محرومیت، هربار که او یکی از این روستاها را از نزدیک دید، هر بار که پای درددل مردم این روستاها نشست، یک معنی اضافه شد! آن‌قدر که حالا قصه محرومیت اهالی پلم برای او یک کتاب چند صفحه‌ای است: «منطقه پلم چند دهستان دارد و هر دهستان دارای حداقل ۲۵ خانوار. من در چهار روستای این منطقه تدریس می‌کنم و شهادت می‌دهم که هیچ‌کدام‌شان از امکاناتی مثل برق، آب و جاده و... بهره مند نیستند.»

او هم به ما می‌گوید که قرار بوده یک جاده از سمت سوسن بخش ایذه به این منطقه برسد! کی؟ سال ۹۴! حالا چه سالی است؟ سال ۹۹! تکلیف جاده چه شده؟! : «هیچ! فکر کنم شش کیلومتر مانده که تمام شود و همان‌طور به حال خودش رها شده است. جایی هم که جاده نداشته باشد هیچ چیز ندارد!»

او معلمی است که سرسختانه همه سختی‌های تدریس در یک منطقه محروم را به جان خریده تا حال و روز نسل آینده این روستا، بهتر از امروزشان باشد: «با کمک خیرین چندتا پنل خورشیدی برای یکی از روستاها بردیم تا حداقل مدرسه یک روشنایی کوچک داشته باشد!»

دردمشترک

ابراهیم احمدی، دهیار یکی از روستاهای نزدیک پلم است؛ دهیار روستای پل آبدوغ که از مسیر اصلی و آسفالت ایذه به اصفهان، فقط ۱۷ کیلومتر فاصله دارد. وجه تشابه روستای او با روستاهای پلم اما زیاد است؛ پل آبدوغی‌ها هم نه جاده دارند، نه برق، نه آب! او هم به ما می‌گوید: «شرایط زندگی واقعا در روستاهای این منطقه سخت است. ما به تمام ارگان‌های دولتی رفتیم، سر زدیم، همه اینها را پیگیری کردیم اما به نتیجه نرسیدیم و در محرومیت کامل زندگی می‌کنیم.» همین محرومیت حالا چوب دوسرطلای منطقه است؛ عاملی که هم باعث مهاجرت اجباری اهالی شده و هم بهانه‌ای برای نرسیدن امکانات: «کوچ ما اینجا کوچ اجباری است، الان جمعیت ما از نصف هم کمتر شده، اما مسؤولان می‌گویند چون منطقه شما جمعیتش کم شده و مهاجر دارد، امکاناتی مثل آب و برق نباید به آن برسد. درحالی که اگر این امکانات باشد کسی کوچ نمی‌کند!»

او هم برای ما از دکل‌های برقی می‌گوید که تا چند کیلومتری روستا آمده و مثل خیلی از پروژه‌های دیگر ناتمام مانده است: «تقریبا شش سال قبل از این که من دهیار شوم برای برق‌رسانی اقدام کرده بودند، الان هم شش سال است که من دهیارم، اما هنوز این پروژه تکمیل نشده، امسال اداره برق گفت که قرار است برای شما برق بکشیم و موضوع را دوباره برای مناقصه گذاشتیم و بعد هم گفتند که در مناقصه یک پیمانکاری برنده شده حالا باید برود لوازم و وسایل را بخرد! اما همه اینها تا حالا وعده بوده! به خاطر همین هیچ وسیله برقی‌ای در روستای ما نیست، نه تلویزیون، نه یخچال و نه هیچ چیز دیگری.»

گلایه اهالی منطقه پلم را ما به گوش حسین لامی‌زاده، فرماندار ایذه می‌رسانیم، از مشکل برق می‌گوییم تا آب و جاده‌ای که نیست؛ مطالبه‌های بجای مردم این منطقه که فعلا راه به جایی نبرده و او با تایید محرومیت این منطقه به ما می‌گوید: «در بخش سوسن، مناطقی هستند مثل همین پلم و چند نقطه دیگر که صعب‌العبور و عشایری هستند و مسائل و مشکلات زیادی دارند و ان‌شاءا... امسال در تیرماه ما اعتباری را برای رسیدگی به آنها قرار است بگیریم و تلاش‌مان بر این است که چون اعتبارات محدود است و قطعا همه مشکلات را پوشش نمی‌دهد، با اولویت‌بندی‌های انجام شده، به مناطقی که جمعیت بیشتری دارند، خدمات‌رسانی کنیم.»

او هم به فقدان زیرساخت‌ها برای رسیدن امکانات اشاره می‌کند و می‌گوید: «این روستاها در مناطق صعب‌العبوری قرار دارند و زیرساخت هم ندارند، اول باید زیرساخت‌هایشان تکمیل شود و بعد برای برق‌رسانی و... اقدام شود. چون واقعا خیلی‌هایشان مسیر تردد ندارند و جاده‌های عشایری دارند. اما طبق قولی که از سازمان مدیریت برنامه‌ریزی به ما داده شده، امیدواریم که در آینده‌ای نزدیک این اعتبار به منطقه برسد.»

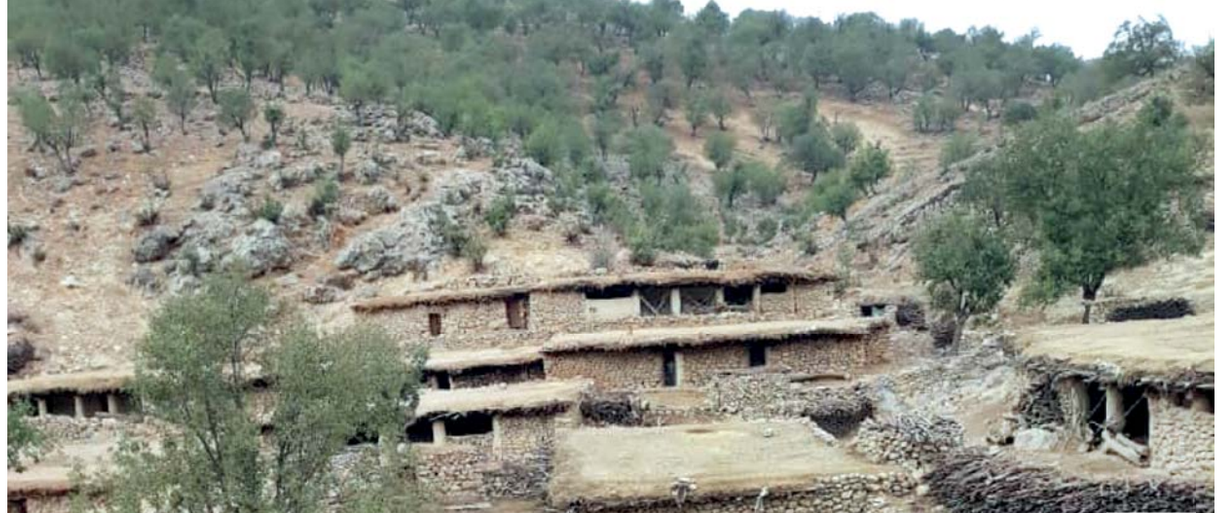

طراح: بیژن گورانی

جدول شماره ۵۶۵۶

جدول عادی

افقی: ۱) قاصد، پیك- بهشت- سنگسار کردن ۲) بریدن شاخه‌های زائد- یاری دهندگان- منحنی ۳) مهربان- عاشق- سوره هشتاد و یکم قرآن ۴) طبیعی و معمولی- مدفن ناصرخسرو ۵) قرابت- خداشناس- ابر نزدیك زمین ۶) شکم‌بند طبی- دلگیر شدن- شهری تاریخی در شمال بحرالمیت ۷) روستا- کارآمدترین شبکه حمل و نقل عمومی- مدرسه عالی ۸) عدد- کار بزرگ و چشمگیر- ثروت و دارایی ۹) از بخش‌های اوستا- نوعی گیوه- همیشگی ۱۰) قیادت- لبه تیز شمشیر- زائوترسان ۱۱) برادر عرب- قوم سفیدپوست بومی اروپای شرقی- پایتخت لیبی ۱۲) شکل- شهرستانی در آذربایجان شرقی ۱۳) اثری از شاتو بریان فرانسوی- رمانی نوشته رضا امیرخانی- زندگی مرفه ۱۴) فنا- خدمتکار- درجه حرارت ۱۵) یك نفر- ینگه دنیایی- درگرو.

عمودی: ۱) بخشی از عملیات پلیسی برای شناسایی متهم فراری- سهولت ۲) پاسخ مثبت- شاهکار عاشقانه آناتول فرانس، نویسنده فرانسوی- اختلالی عصبی ۳) جزء غیرمستقلی که به پایان واژه می‌پیوندد- مادر حضرت رسول (ص)- پیروی کردن ۴) غریو- از یاران باوفای امام رضا (ع) ۵) نشانه مفعولی- سرزمین امیلیانو زاپاتا- بی‌آبرویی ۶) ایلات- از خواهران برونته ۷) ورقه فلزی بسیار نازك- پهلوان افسانه‌ای آذری- هدف متعالی ۸) جوانمرد- نویسنده فرانسوی روح‌القوانین- وای به روزی که بگندد! ۹) پست‌فطرتی- جانوری از خانواده بندپایان- ادویه تند ۱۰) علاج کردن- مورد نظر ۱۱) بسیار مقرراتی و منضبط- فقر و بی‌چیزی- پایتخت ایتالیا ۱۲) شاخه‌ای از فیزیك- توبه کردن ۱۳) ابریشم مصنوعی- پشتیبان- پیروز مسابقه ۱۴) مقابل شوخی- لبریز و سرشار- برادر پدر ۱۵) صداق- کارگردان مجموعه تلویزیونی زیرخاکی.

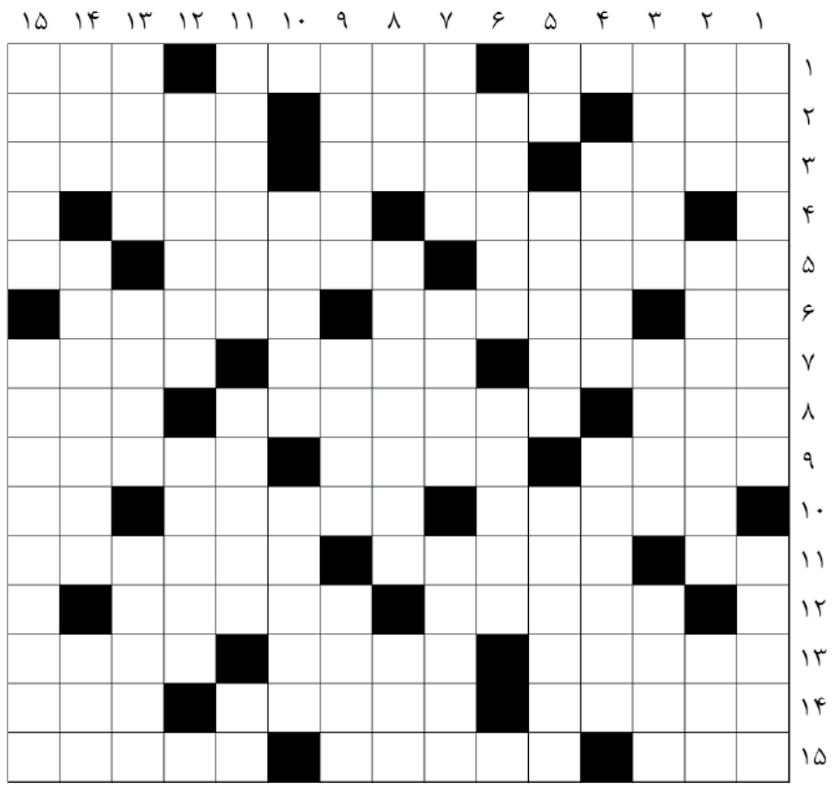

جدول ویژه

افقی: ۱) رشته‌کوهی در خراسان رضوی- ارتفاع- شانه، دوش ۲) دوستی- تبذیر- کارگزاری ۳) فرزند به زبان کردی- گاو آهن- لجباز ۴) گلی زیبا و خوشبو- فیلمی ساخته مجید مجیدی ۵) تأثرانگیز- گنجایش- ماه دهم ۶) پوستین- مأمور تشریفات عصر صفوی- چوپان ۷) امتداد- امانتداران- معشوق زیبا ۸) کاهگل- حمله همراه با غارتگری- سازمان همکاری اقتصادی ۹) چاق و فربه- از نیازهای اولیه بشر- از مقام‌های موسیقی قدیمی ایران ۱۰) زیبا و جذاب- عقاب سیاه- به نفع او ۱۱) نیکو- جنگ روسیه و عثمانی- داستانی نوشته بزرگ علوی ۱۲) آلبینیست- محروم ۱۳) ستارگان درخشان- دربردارنده- عادل و دادگر ۱۴) مجموعه داستانی نوشته جمال میرصادقی- خدمتکار- پس از جولای ۱۵) کشوری قدیمی در بین‌النهرین- خستگی‌ناپذیر- نویسنده ایتالیایی کمدی الهی.

عمودی: ۱) نویسنده انگلیسی داستان مزرعه حیوانات- تیزرو ۲) مبالغه کردن- تحسین‌کننده- تخم شپش ۳) نوشتن کتاب با استفاده از منابع مختلف- نماد- پارسا ۴) رمانی تخیلی نوشته جی.آر.آر. تالکین- همه‌فن حریف ۵) حرف انتخاب- دریچه کنار کاربراتور خودرو- الماس درخشنده ۶) محل تولد امام زمان(ع)- تیراندازی ۷) صفت بهشت- بر زیبایی و دوام کفش می‌افزاید- کتاب قائم‌مقام فراهانی ۸) شیشه آزمایشگاهی- کنایه از این دنیای فانی است- رود جیحون ۹) نوعی کامیون نظامی- رمان امیل زولا- شماره ۱۰) تقسیم ملك مشاع بین مالکان- سرشار ۱۱) قمری خانگی- رهبر قزاق‌های روسی و فاتح سیبری- جای پا ۱۲) ژله با آن سفت می‌شود- هیکل ۱۳) روحانی یهودی- واقف- دروازه ارگ را در این شهر می‌بینید ۱۴) فشار روحی- هیولای خون‌آشام- صدا ۱۵) بسیار کوچك- من حیث‌المجموع.

حل جدول عادی شماره ۵۶۵۵

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	خ	ل	ی	ج	ف	ا	ر	س	■	ا	ذ	ر	ش	ه	ر
۲	خ	و	ا	ن	■	س	ر	ب	ا	ز	■	ش	ا	ر	ژ
۳	د	ل	ک	ش	ا	■	ب	ر	ا	ت	■	ب	و	ب	ق
۴	ا	ه	■	ا	و	ه	ا	ی	و	■	ع	ش	ا	ی	ر
۵	ل	■	ن	و	ش	ی	ن	■	پ	ل	د	ا	ش	■	م
۶	ن	ظ	ا	ر	ت	■	ف	ر	ا	د	ی	د	■	ت	ز
۷	ا	ر	ت	■	ر	و	ا	ق	■	م	ل	ا	ز	م	■
۸	ز	ا	ن	و	■	ا	ق	ا	ی	ی	■	ب	و	س	ه
۹	■	ف	ی	ن	ا	ل	■	ب	ی	ت	ا	■	ا	خ	م
۱۰	چ	ت	■	ک	ی	و	م	ت	ل	■	م	و	ی	ر	گ
۱۱	ت	■	ت	و	س	ر	ی	■	ا	ت	ی	ل	ا	■	و
۱۲	ر	ن	ت	ک	ن	■	ل	ی	ق	و	ا	ن	■	س	ن
۱۳	ب	ه	ر	■	ا	ل	ا	و	■	د	ل	ک	ی	ر	■
۱۴	ا	ی	و	ب	■	ا	ن	ز	و	ا	■	ا	ز	ن	ا
۱۵	ل	ب	ن	ی	ا	ت	■	ک	ا	ر	ک	ر	د	ا	ن

حل جدول ویژه شماره ۵۶۵۵

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ج	ع	ف	ر	ط	ی	ا	ر	■	ط	ب	ق	ط	ب	ق
۲	ت	ر	س	و	■	ت	ک	ا	م	ل	■	ر	و	ک	ش
۳	■	ع	ا	ی	د	ی	■	س	ت	ا	ک	■	ف	س	ق
۴	م	■	ر	ا	ل	م	ق	ن	ع	■	ا	ت	ا	ل	ا
۵	ق	ل	■	ه	ی	ا	ه	و	■	ف	ل	و	ر	ن	ی
۶	ن	خ	ج	ی	ر	■	ا	ف	ن	ب	ا	خ	■	ی	ی
۷	ن	و	ر	■	ا	م	ر	ا	■	ا	ک	و	ا	ن	■
۸	ه	ر	ا	ز	■	ا	ه	م	ا	ل	■	ن	و	ب	ل
۹	■	ا	ن	ی	س	ه	■	ت	ر	ب	ت	■	ل	و	ط
۱۰	ن	ک	■	ا	ر	و	ب	ن	د	■	ط	ب	ی	ع	ی
۱۱	ا	■	ب	ر	و	ن	ش	■	ا	و	ا	ر	ه	■	ف
۱۲	پ	ا	س	ت	ا	■	ک	ا	ف	ر	و	ن	■	ا	ه
۱۳	س	و	پ	■	ن	ش	ا	ط	■	د	ل	ه	ر	ه	■
۱۴	ن	س	ا	ر	■	ا	ف	ل	ا	س	■	ا	ح	و	ل
۱۵	د	ر	ر	ف	ت	ن	■	س	و	ت	ه	د	ل	ا	ن